

واکاوی و نقد الگوی حکمرانی خوب؛ تبیین شاخص‌های حکمرانی اسلامی

مبنتی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مجتبی زارعی^۱

وحید آرای^۲

چکیده

الگوی حکمرانی خوب را فرایند تدوین و اجرای سیاست‌گذاری در حوزه‌های مختلف با مشارکت دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تعریف می‌کنند به گونه‌ای که ضمن برآوردن نیازهای اساسی جامعه، به تحقق عدالت و امنیت و توسعه پایدار منبسط انسانی و محیط زیست منجر گردد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی ضمن واکاوی الگوی حکمرانی خوب مبتنی بر شاخص‌های بانک جهانی و نقد آن، به دنبال این پرسش اصلی است که شاخص‌های حکمرانی اسلامی و جهادی بر اساس نهج-البلاغه و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد الگوی حکمرانی خوب مبتنی بر اصول لیبرال و برخاسته از جوامع توسعه‌یافته و بیابگر گرایش سیاسی یا ایدئولوژیکی خاصی است که بکارگیری آن در جوامع دیگر به شکل برون‌زا و تحمیلی و بدون توجه به ساختارهای اجتماعی، نظام اقتصادی، ارزش‌ها و فرهنگ بومی مطلوب نخواهد بود. حکمرانی اسلامی، شیوه حکومتی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است و آنچه امروز موجب تقلوت و امتیاز جمهوری اسلامی ایران از دیگر کشورهای جهان شده، تلاش این نظام برای تحقق اسلام ناب در ساحت‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی و حرکت بر مدار اسلام است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سبک جدیدی از حکومت و حکمرانی در چارچوب قوانین الهی و اسلامی ارائه نموده که در اهداف، سیاست‌ها و شاخص‌های حکمرانی نظام شامل؛ پاسخگویی و حق انتخاب و اظهار نظر برای مردم، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، کارایی و اثربخشی، مبارزه با فساد و ثبات سیاسی و فقدان خشونت نمایان و حاکم است.

واژگان کلیدی

حکمرانی خوب، حکمرانی اسلامی، قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران.

* استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) zareei@modares.ac.ir

** استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

مقاله: پژوهشی

مقدمه

در دهه‌های اخیر شاهد ظهور رویکردی جدید در مدیریت دولتی با عنوان حکمرانی خوب هستیم که برای مقابله با مشکلات و مسایل پیچیده عصر حاضر شکل گرفته و ویژگی مهم آن جلب مشارکت مردم در انجام امور و سپردن کارها به دست آنان است. امروزه، جامعه بشری دچار بحران اداری و اخلاقی می‌باشد که با اقدامات دولت‌ها، قوانین و نهادهای اجتماعی که نظام حکمرانی را شکل می‌دهند، بی‌ارتباط نیستند. حال چگونه می‌توانیم این فرایندها و پیچیدگی‌های روابط متقابل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را بدون توجه به دولت- ملت اداره کنیم. علوم سیاستگذاری به جای اینکه به دنبال راهی باشد تا نظارت عمومی بر سیاست‌ها را تقویت نماید، در جستجوی سیاست‌هایی است که مورد قبول شهروندان باشد. از این‌رو، حکمرانی خوب باید تلاش نماید تا ضمن کاهش اقتدار آمرانه دولت، نظارت همگانی بر سیاست‌ها و اقدامات دولت را افزایش دهد.

الگوی حکمرانی خوب به عنوان فرایند مشارکتی توسعه تعریف می‌گردد که جامعه مدنی به عنوان انتقال دهنده و مدافع خواست‌های مردمی می‌بایست مشارکت شهروندان را تقویت و دولت‌ها را به پاسخگویی تشویق و حتی ملزم نماید. بخش خصوصی با در دست داشتن عوامل اقتصادی و سرمایه‌گذاری و تولید ناخالص ملی و بالا بردن سهم مردمی در آن و از بین بردن نگرانی‌ها و تنگناها کمک و بخش دولتی با ایجاد تسهیلات و بسترهای فعالیت عمومی و تقویت آن در توسعه اقتصادی و اجتماعی و گسترش عدالت اجتماعی تلاش نماید (وفاجو و دیگران، ۱۳۹۷). به این ترتیب، حکمرانی خوب صرفاً مفهومی تحلیلی نیست، بلکه واجد ارزش‌های اخلاقی و سیاسی است و آنچه دشواری بیشتری در تبیین این مفهوم ایجاد می‌نماید، سوءکاربردهایی است که به واسطه بهره‌گیری ابزاری از مؤلفه‌ها و چشم‌اندازهای حکمرانی خوب بروز می‌نماید و موجب شکل‌گیری رویکردهای متعارض می‌شود.

حکمرانی خوب نه درباره ایجاد تصمیم درست، بلکه در رابطه با بهترین فرایندهای ممکن برای تصمیم‌گیری است و با نادیده گرفتن ذات و گوهر تصمیم حقیقت، بر این تأکید می‌کند که همه چیز بر پایه بهترین گزینه ممکن خواهد بود و با توجه به محوریت نتیجه‌گرایی، همه تلاش‌های در راستای اقدام برای رسیدن به هر روش ممکن است لیکن در الگوی حکمرانی اسلامی در عین توجه به ضرورت تصمیم بهینه، می‌بایست به حقانیت و درستی آن نیز توجه داشت و هر نوع

تصمیمی، مشروع نیست و نمی‌توان به بهانه تضمین دستیابی به هدف، از هر وسیله‌ای بهره گرفت. الگوی حکمرانی خوب نمی‌تواند یک نسخه استاندارد باشد و الگوی یک ساینز، اندازه همه‌مطلوب نیست چرا که در کشورهای مختلف بایستی بر اساس اوضاع و احوال و شرایط فرهنگی آنها باشد. همه کشورها بایستی حق داشته باشند گونه‌های ملی متعلق به خود را در زمینه حکمرانی خوب تعیین کنند که تجربه تاریخی آنها را مدنظر قرار دهد بر مبنای نظام‌ها، فرهنگ‌ها و ارزش‌های بومی ساخته شود (هداوند، ۱۳۸۴: ۷۸).

حکمرانی اسلامی را می‌توان زمینه‌سازی برای توسعه و تعمیق عقلانیت تهذیب یافته، اخلاق و معنویت‌گرایی دینی و رشد، تعالی و سعادت انسان و همچنین گسترش برخورداری از زندگی با نشاط، ایمن، سالم، عادلانه، آزاد و کریمانه دانست (رضایی و همکاران، ۱۳۹۰). مدعای اصلی انقلاب اسلامی ارائه سبک جدیدی از زندگی، حکومت و حکمرانی در قانون اساسی بوده که در اهداف و سیاست‌های جامعه و حاکمیت، شیوه‌ها و روش‌های حکمرانی، نقش و مشارکت مردمی، نظامات اداری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... قوانین الهی و روح معنوی اسلام حاکم است. در نهج‌البلاغه نیز حاکم، ولی امر و متصدی کارهای مردم است و مکلف به تکلیف الهی مهمی می‌باشد و مردم باید با همه ارزش‌های مادی و معنوی و آرمان‌هایشان مورد احترام قرار گیرند و دین و دنیای آنها با هم و در تعامل ملاحظه شود. دیدگاه حضرت علی (ع) درباره حکومت؛ دنیامدارانه و قدرت‌محورانه نیست، چرا که ایشان در خطبه ۳۰ دلیل پذیرفتن آن مسئولیت بزرگ را گرفتن حق ستم‌دیده از ستمگر شمرده و آن را پیمانی دانسته که خداوند از دانشمندان گرفته است (شاه‌آبادی و جامه بزرگی، ۱۳۹۷). از این جهت، تلاش بر ایجاد و استقرار حکمرانی به شکل برون‌زا و تحمیلی و بدون توجه به بسترهای بومی برای اجرا و تحقق آن نتایج نامطلوبی را سبب می‌گردد. این مقاله ضمن واکاوی الگوی حکمرانی خوب بر اساس شاخص‌های بانک جهانی و ارزیابی آن، به تبیین شاخص‌های حکمرانی اسلامی از منظر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد.

۱. پیشینه تحقیق و مبانی نظری

۱.۱. پیشینه تحقیق

در بررسی تحقیقات صورت گرفته، تحقیقی که به تبیین و ارزیابی الگوی حکمرانی خوب بر اساس بدیل برتر آن یعنی حکمرانی اسلامی و نیز واکاوی شاخص‌های آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته باشد، ملاحظه نشده لیکن تحقیقات معدودی با عناوین و یافته‌های زیر انجام گرفته است.

امامی و شاکری (۱۳۹۵) در مقاله «حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» با روش توصیفی-تحلیلی نتیجه می‌گیرد که هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی خوب به گونه‌ای در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تأکید شده لیکن در عرصه عمل شاهد فراز و نشیب بوده است. بردبار و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله «ارائه الگوی حکمرانی خدامدار» با استفاده از روش تحلیل فازی، ابعاد، عوامل و معیارهای حکمرانی خدامدار و الگویی به منظور بهبود طرح‌ها و برنامه‌های حکومت اسلامی ارائه داده‌اند.

بابایی (۱۳۹۴) در مقاله «طراحی مدل حکمرانی خوب بر اساس نامه مالک اشتر و مقایسه آن با اصول حکمرانی خوب بانک جهانی» به روش داده بنیاد که دیدگاه امام علی (ع) به لحاظ روش‌های رسیدن به حکمرانی و منابع حکمرانی با دیدگاه بانک جهانی تفاوت ساختاری و اساسی دارد.

ناظمی اردکانی (۱۳۹۱) در مقاله «حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی» با روش توصیفی تحلیلی به این نتیجه دست یافته که هر گونه تصمیم‌گیری در حکمرانی خوب بر مشاهده، عقل و تجربه مبتنی است لیکن در حکمرانی اسلامی علاوه بر آنها، بر وحی و سنت نیز مبتنی است.

۱.۲. تعریف حکمرانی خوب

واژه حکمرانی^۱ از فعل یونانی *kubernan* اخذ شده که افلاطون آن را برای طراحی نظام حکومتی بکار می‌برد که در قرون وسطی به واژه *Gubernare* تبدیل می‌شود که بر حکمروایی کردن دلالت دارد. یعنی عمل و شیوه حکومت کردن یا کارویژه حکومت (کایر، ۱۳۸۶: ۳). در فرهنگ آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکم راندن؛ اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان؛ نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۱۹۴-).

^۱- Governance.

۱۹۳). بانک جهانی تعریف واحدی از حکمرانی ارائه نمی‌دهد بلکه بر حسب گزارش در دست اجرا، از تعریف‌های مختلفی استفاده می‌نماید. به این ترتیب در گزارش سال ۱۹۸۹، حکمرانی «با شیوه‌ای که با آن قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی کشور برای توسعه اعمال می‌گردد»، تعریف شده است (World Bank, 1989: 60). در گزارش بعدی آمده است که حکمرانی یعنی «ظرفیت نهادی سازمان‌های دولتی جهت ارائه کالاهای عمومی و سایر کالاهایی که شهروندان یک کشور یا نمایندگان آنها تقاضا می‌نمایند به شیوه‌ای اثربخش، شفاف، بی‌طرفانه و پاسخگو با توجه به محدودیت منابع» (World Bank, 2000: 48).

به رغم تعاریف متعدد، بانک جهانی حکمرانی خوب را به عنوان سنت‌ها و نهادهایی تعریف می‌کند که از طرف حکومت جهت منافع عمومی بکار می‌رود و شامل فرایندی است که در آن حاکمان انتخاب، نظارت و جایگزین می‌شوند، ظرفیت دولت‌ها جهت مدیریت درست منابع و اجرای سیاست‌ها و نیز احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی بین آنها را کنترل می‌کنند. یعنی حکمرانی با نگاه به اینکه چگونه مسئولان حکومتی انتخاب می‌شوند و اینکه آیا آنها پاسخگو به عموم مردم هستند؛ سیاست‌های درست را ارائه می‌دهند؛ ظرفیت اجرای این سیاست‌ها را دارند و همچنین آیا می‌توانند منابع خود را به صورت مؤثر مدیریت کنند؛ سنجیده می‌شود (World Bank, 2000).

۱،۳. مؤلفه‌های الگوی حکمرانی خوب

سه تن از محققان بانک جهانی دانیل کافمن، آرت کرای و پابلو لوباتون (Kaufmann, Kraay and Lob, 2002)، یافته‌های مؤسسات مختلف بین‌المللی پیرامون وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورها را با یکدیگر ادغام و مؤلفه‌های شش‌گانه ذیل را برای حکمرانی خوب مشخص نموده‌اند.

پاسخگویی و حق اظهارنظر^۱:

پاسخگویی و حق اظهارنظر به این معنا می‌باشد نقش مردم در انتخاب کارگزاران دولت محسوس باشد، فعالیت احزاب سیاسی و تشکل‌های اجتماعی افزایش یابد و رسانه‌های همگانی به صورت مستقل فعالیت و ابراز نظر کنند (Ibid)، گروه‌های دخیل در تصمیم‌گیری‌های دولت، نسبت

^۱- Voice and Accountability.

به عملکرد خود پاسخگویی عمومی داشته باشند و همچنین گروه‌ها و افراد متأثر از تصمیمات دولتی آگاهی کافی و بموقع داشته باشند (ابطحی و دیگران، ۱۳۹۰).

ثبات سیاسی و فقدان خشونت^۱:

یکی از ملزومات رشد اقتصادی، تحقق ثبات سیاسی مبتنی بر عدالت اجتماعی، کاهش تضادهای فرهنگی و قومی و نیز بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی، چرخش مسالمت‌آمیز قدرت سیاسی و منطبق بر قانون اساسی و نظام مردم سالاری است (ابطحی و دیگران، ۱۳۹۷). بی‌ثباتی سیاسی در یک کشور حاکی از نظام حکمرانی نامطلوب و ضعیف است (world bank, 2015).

اثربخشی دولت^۲:

اثربخشی دولت به میزان و چگونگی استفاده از مهارت‌های علمی و عملی مدیران و میزان اثربخشی دولت در کسب درآمد، انجام ابتکارات سیاسی، تدوین بموقع بودجه سالانه، نظارت بر اقدامات اقتصادی و اجتماعی، ایجاد زیرساخت‌های ملی و رفع مشکلات اقتصادی داخلی، ارائه خدمات اجتماعی بدون تأثیرپذیری از تغییرات سیاسی، مدیریت استقراض و بدهی‌های خارجی، تمرکزذایی اداری، کیفیت خدمات عمومی و همچنین چگونگی تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی و دولتی و میزان تعهد دولت به این سیاست‌ها بستگی دارد (Ibid).

حاکمیت قانون^۳:

حاکمان و سیاست‌گذاران همانند شهروندان، در برابر قوانین یکسان تلقی شوند و نسبت به عملکرد خود پاسخگو باشند (world bank, 2015). حکمرانی خوب به میزان واقعی بودن قوانین در یک جامعه و اطمینان اجرای آنها، کیفیت اجرای قراردادها، عملکرد پلیس و محاکم قضایی و همچنین میزان احتمال جرم و خشونت در یک جامعه وابسته است.

کیفیت قوانین و مقررات^۴:

صلاحیت و توانایی دولت در اتخاذ و اجرای سیاست‌ها و قوانین و مقرراتی که منجر به تقویت و گسترش بخش خصوصی شود، نقش مهمی در پیشبرد توسعه اقتصادی و سیاسی ایفا می‌نماید.

^۱ - Political Stability and Non-Violence.

^۲- Government Effectiveness.

^۳- Rule of law.

^۴- Regulatory Quality.

هر قوانین و مقررات از کیفیت بهتری برخوردار باشند، وضعیت حکمرانی بهبود پیدا می‌کند (ADA, 2011).

کنترل فساد^۱:

فساد به عنوان سوءاستفاده از اختیارات عمومی برای منافع شخصی یا گروهی با شاخص‌هایی نظیر؛ فساد در بین مقامات رسمی، بازخورد اقدامات ضد فساد، استفاده سیاستمداران از بودجه عمومی، میزان شیوع پرداخت غیرقانونی در بین افراد و شرکت‌های دولتی برای پیشبرد کارها، تأثیرگذاری نادرست بر قانونگذاری، بی‌اعتمادی نسبت به مدیران و سیاستگذاران، تأثیر بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی، دریافت رشوه در ازای دستیابی به مجوزهای غیرقانونی و... تعریف شده است (world bank, 2015).

۱,۴. ارزیابی و نقد الگوی حکمرانی خوب

۱,۴,۱. دیدگاه بسترهای سیاسی و اقتصادی و نهادهای بین‌المللی

پس از جنگ جهانی دوم، اغلب نظریه پردازان و اقتصاددانان کینزی بر این باور بودند که پس از بحران و رکود اقتصادی، دولت در بعد اقتصادی (موسوم به دولت رفاه) نیز باید تقویت و گسترش یابد (نادری قمی، ۱۳۹۰). این رویکرد تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه داشت که ناکارآمدی آن در صحنه اقتصادی (رهنورد، ۱۳۸۸: ۲) باعث ایجاد مفهوم جدیدی تحت عنوان اقتصاد بازار و مکتب شیکاگو با رویکرد کوچک سازی دولت شده است. در کارهای بازار کمتر وارد شود و بیشتر کارها را به نیروهای بازار واگذار کند و نقش آن در تولید ناخالص داخلی و اقتصاد کاهش یابد. بر مبنای این نظریه، بازارها بهترین نتایج را به بار می آورند و قیمت‌ها بهترین تخصیص دهنده منابع هستند. با توجه به این رویکرد، در اواخر دهه ۱۹۹۰ رویکرد سومی به نام حکمرانی خوب ظهور نمود. این رهیافت بر دو رهیافت پیشین غلبه پیدا نمود و به دنبال رهیافت‌های اقتصاد نهادی، نهادگرایی جدید، نظریه اقتصادی سیاست و سازمان‌ها و علم رفتاری که بر قرارداد و انتخاب تأکید می‌نمایند، گسترش یافته و سیاست را مبادلات پیچیده بین بازیگران اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با ارزش‌ها و منافع متفاوت در محیطی نهادی تعریف می‌نماید (Kobler & Eising, 1999). حکمرانی

^۱- Control of Corruption.

خوب با این دیدگاه نونهادگراها موافق است که نهادها^۱ ارجحیت‌هایی را شکل می‌دهند که برخاسته از دیدگاه‌های مردم می‌باشد. نهادها افراد را وادار می‌سازند تا اهداف تعریف شده خود را که در مبادله بازار و رأی‌گیری دموکراتیک بطور مؤثر فراهم نمی‌شود، تأمین نمایند. در دنیای معاصر، فرصت‌ها و کامیابی‌های افراد به این بستگی دارد که چه نهادهایی در جامعه وجود دارند و چگونه عمل می‌نمایند. نهادها همچنین حقوق مالکیت و قراردادهای را تعریف و تعیین می‌کنند که چه کسی باید چه چیزی را در چه زمانی به دست بیاورد (هایک، ۱۳۸۰). ایجاد نهادهایی که از مردم حمایت می‌کنند و به عملکرد و نتیجه رسیدن بهتر فعالیت‌های افراد یاری می‌رسانند، ضروری است که اغلب این نهادها توسط دولت ایجاد می‌شوند. توانایی دولت برای ایجاد این نهادها، عامل اصلی تعیین چگونگی رفتار افراد در جامعه و انجام فعالیت‌های روزانه می‌باشد. تدارک موفقیت-آمیز این نهادها که توسط دولت انجام می‌شود، اغلب تحت عنوان «حکمرانی خوب» مطرح می‌شود. حکمرانی خوب، در نتیجه سیاست‌های قابل پیش‌بینی، آزاد و ارشادی تجسم می‌یابد؛ یک بوروکراسی آینده از خصلت‌های حرفه‌ای؛ ابزار قوه مجریه برای پاسخگو کردن دولت در مقابل اقدامات خود؛ مشارکت وسیع جامعه مدنی در فعالیت‌های عمومی و تمام رفتارهایی که تحت لوای حکومت قانون انجام می‌شود (گزارش بانک جهانی، ۲۰۰۳). در توسعه دولت مدرن بین اطمینان از اینکه مقامات دولتی دارای قدرت کافی برای تدارک حکمرانی خوب هستند و یا بهره‌برداری قدرت خود به نفع گروه‌های خاص منع شده باشند، اختلاف وجود دارد و اگر این مقامات محدود نشوند، توانایی آنها از طریق افزایش دسترسی به اطلاعات، تقویت رقابت و اجرای قراردادهای برای ایجاد نهادهایی که از مردم حمایت می‌کنند آسیب خواهد دید.

از اوایل دهه ۱۹۸۰، تجزیه و تحلیل‌های اقتصاد نهادگرایی این موضوع را مطرح می‌کند نهادها در تعیین پیامدهای سیاسی حائز اهمیت هستند و کیفیت نهادها، مولفه‌ای کلیدی برای کارکرد درست سیستم حکمرانی است. نهادهای سیاسی نظیر قانون اساسی، تقسیم قدرت میان سطوح مختلف دولت، سازمان‌های مستقل، سازوکارهای نظارت شهروندان بر رفتار مقامات دولتی و قواعدی که مانع از بروز فساد می‌شود، به ایجاد محدودیت در زمینه استبداد سیاستمداران و بوروکرات‌ها و نیز رقابت در فرایند سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در نتیجه این رقابت نیز

^۱- Institutions.

تا حدودی موجب می‌شود که سیاستمداران در مورد اقدامات خود پاسخگو باشند که موجب استحکام حکمرانی خوب می‌شوند (Brinkerhoff, 2002: 511-531). حکمرانی خوب نیازمند به عمل جمعی و حق مشارکت در تصمیم‌گیری است. حکمرانی خوب به فرایندی اشاره دارد که علایق و ابتکارات مختلف را در یک نظم کارکردی به منظور ایجاد و دسترسی به منافع و یا اهداف جمعی در سطح بین‌المللی در کنار هم قرار داده و تلفیق می‌نماید و تأکید بر موضوعاتی نظیر گفتگو، مباحثه، مشارکت و دموکراسی جهت افزایش مشروعیت ساختار دولت و قوانین می‌باشد. یک دولت یا حکمران کامل، تصمیم‌گیری درباره اینکه چه کسی و چگونه در مذاکرات شرکت نماید را به سازمان‌ها و نهادهای سیاسی واگذار می‌نماید. بنابراین دولت به عنوان مشاور- نه سخنگوی فعال- عمل می‌نماید (Bevier, 2006: 426-436). از این‌رو، بسیاری از کارکردهای دولت، همانطور که توسط طرفداران حکمرانی خوب مطرح شده‌اند، باید در بازار و سطح جامعه و به صورت غیرمتمرکز اجرا گردد (Hoogh & Marks, 2003: 233-243). در واقع، حکمرانی مشمول چیدمان نهادی، سازوکارهای شورایی، فرآیندهای سیاستگذاری و ماهیت رهبری در نظام سیاسی است. در این میان، تجزیه و تحلیل‌های نهادی به‌عنوان مولفه اصلی فهم حکمرانی شناخته می‌شود و در نهایت توسعه را رقم می‌زند. رویکرد نهادگرایی جدید بر این باور است که حکمرانی خوب، بدون توجه به اثری که نهادهای گذشته روی نهادهای حال دارند و اثری که نهادهای حال روی نهادهای آینده می‌گذارند، امکانپذیر نمی‌باشد. در واقع نمی‌توان برای گذر از حکمرانی بد، یک نسخه جهان‌شمول پیچید و با ایجاد یا تغییر نهادها به یک شکل مشخص و استفاده از یک استراتژی مشخص، آرمان حکمرانی خوب را محقق کرد چرا که تأثیر نهادهای گذشته و مسیری که دولت‌ها پیش از این پیموده‌اند، عمیقاً روی ساختار نهادی جدید تأثیر خواهد گذاشت. به علاوه، حکمرانی روی چارچوبی که شهروندان و مقامات دولتی در آن چارچوب کنش می‌کنند و همچنین چارچوبی که سیاست در آن انجام می‌شود، تأثیرگذار است (Schmitter, 1996). داگلاس نورث اقتصاددان نهادگرایی جدید، نهادها را قواعد بازی تعریف می‌کند که سازمان‌ها بازیکنان این بازی می‌باشند. با توجه به مفاهیم نهادگرایی، برای دستیابی به سطح رضایت‌بخشی از حکمرانی، چیدمان قواعد بازی حائز اهمیت است. قواعدی که بدون آنها، سازمان‌ها یا همان بازیکنان نمی‌توانند آن‌طور که باید و شاید، حکمرانی خوب را رقم بزنند.

بازیکنان کلیدی در حکمرانی خوب را می توان به چهار دسته کلی تقسیم کرد. دولت مرکزی که از سه قوه مقننه، مجریه و قضائیه تشکیل می شود؛ دولت های محلی مثل فرمانداری ها و شهرداری ها، سازمان هایی که با آنها در ارتباط هستند (بخش خصوصی) و در نهایت جامعه مدنی. اما اگر قواعد بازی یعنی نهادها، طوری طراحی نشوند که ارتباط بهینه میان این بازیکنان را ممکن سازند، عملاً حکمرانی خوب ممکن نمی شود (اندیشه اقتصاد، ۱۳۹۶).

به این ترتیب، از آنجایی که مفهوم حکمرانی خوب، اروپایی بوده و از الگوهای ساختاری اروپا نظیر حقوق اداری فرانسه، حقوق عرفی انگلستان و نهادهای نظارتی کشورهای اسکانندیناوی بسیار تأثیر پذیرفته است، می تواند بعنوان شکل مبدلی از امپریالیسم فرهنگی و اقتصادی و یا شکلی نامتناسب برای کشورهای مبتنی بر نظام دولت - محور تلقی شود. از اینرو، حکمرانی خوب نیاز به اصلاحات بهم پیوسته ای در یک محیط تاریخی و فرهنگی خاص دارد (-harlow, 197, 199). از آنجایی که کشورهای در حال توسعه با حکمرانی فاصله زیادی دارند، برنامه های تأمین مالی بانک جهانی به اختلاف محلی، فساد گسترده، ناپدید شدن کمک های مالی و نیز ترتیبات حسابرسی نامساعد بویژه در آفریقا مواجه شده اند. مسئله ای که در اصول حکمرانی خوب فراموش شده، تأکید بر تنوع و کثرت گرایی است. ارزش ها و اصول حکمرانی باید بتواند در نظام های ارزشی گوناگون به صورتی به اجرا در آید که دموکراسی را تسهیل نماید؛ وگرنه ارزش های به اصطلاح جهانی که در اصل غربی هستند، به دیگران تحمیل می گردد (Ibid, 199). از اینرو فلسفه کاپیتالیسم، در این الگو کاملاً آشکار است و دغدغه اصلی، حل مشکل چرخه اقتصادی جهانی و دنیای سرمایه داری است. اشکال اساسی کاپیتالیسم این است که اصل سعادت فردی و اجتماعی را برخورداری هر چه بیشتر از سرمایه و ثروت می داند. روح حکمرانی خوب نیز این است که حکمرانی آن گاه خوب است که به تحکیم و تثبیت بنیان های اقتصادی و رفاه مادی جامعه منجر شود (نادری قمی، ۱۳۹۰).

دیدگاه صندوق بین المللی پول در مورد حکمرانی خوب، با ثبات اقتصاد کلان نظام پولی و اقتصاد جهانی، قابلیت سوددهی خارجی و بویژه رشد اقتصادی در کشورهای عضو در ارتباط می - باشد. بنابراین، نگاه نهاد مذکور به حکمرانی به دلایل بهبود مدیریت منابع عمومی از طریق اصلاحات در نهادهای عمومی و حمایت از توسعه و حفظ اقتصاد باثبات و شفاف و محیط

قانونمند هدایت کننده به فعالیت‌های بخش خصوصی کارآمد، محدود به جنبه‌های اقتصادی حکمرانی می‌باشد (3: IMF, 1997).

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی به مفاهیم حاکمیت قانون، آزادی، شفافیت و پاسخگویی نهادهای دموکراتیک، انصاف و عدالت در رفتار و برخورد با شهروندان، شامل سازوکارهایی جهت مشاوره و مشارکت، خدمات عمومی مؤثر، قوانین واضح و کاربردی؛ هماهنگی و سازگاری در آرایش سیاسی؛ و استانداردهای بالای رفتار اخلاقی، ارزش و اعتبار زیادی قائل است. همچنین، گزارش «حکمرانی اروپایی» که در سال ۲۰۰۱ از سوی کمیسیون اروپا ارائه گردید، آزادی، مشارکت، پاسخگویی، اثربخشی و انسجام را اصول پنج‌گانه حکمرانی خوب ذکر می‌کند در حالیکه نظام حکمرانی اروپا به دلیل وجود بحران مشروعیت در دولت‌های اروپایی مورد تردید است (Krasner, 1991).

همچنین طی سال‌های متممادی اغلب الگوهای حکمرانی (از جمله؛ مدیریت توسعه، دولت‌های سوسیالیستی، دولت رفاه، حکمرانی مبتنی بر نظام اقتصاد آزاد، دولت کارآفرین، دولت کوچک و حکمرانی خوب) که از سوی نهادهای بین‌المللی برای کشورهای در حال توسعه تجویز می‌شدند، اغلب در عمل به دلیل فراهم نبودن شرایط زمینه‌ای و نداشتن نگاه جامع به محیط، به شکست یا ناپایداری منجر شده‌اند (ابراهیم‌پور و خلیلی، ۱۳۹۰).

با توجه به مطالب مذکور، ملاحظه می‌شود که هدف اصلی الگوی حکمرانی خوب، توسعه اقتصادی و مادی دولت می‌باشد و دارای مشکلات اساسی و بنیادی است (حسینی و واثق، ۱۳۹۳): از نظر هستی‌شناسی، معتقد به اصالت فرد می‌باشد. از نظر انسان‌شناسی، همه چیز را در محور انسان ارزیابی می‌کند. از نظر معرفت‌شناسی به آنچه که از طریق حواس به دست آید و برای زندگی انسان مفید باشد اعتقاد دارد و از نظر روش‌شناسی، روش وحیانی را انکار و بر تجربه تأکید می‌کند.

۱،۴،۲. دیدگاه نهج‌البلاغه

حکمرانی خوب پاسخگویی را تنها در قبال جامعه و افراد ضروری می‌داند در حالیکه حکمرانی اسلامی پاسخگویی را منحصر به اجتماع نمی‌داند، بلکه آن را به عنوان یک تکلیف در

برابر خواسته های خداوند متعال می داند. همه حرف ها، عمل ها، برنامه ها، موضع گیری ها، جنگ ها، صلح ها، رابطه ها و قطع رابطه ها باید بر مبنای رهنمود دین اسلام باشد (نهج البلاغه، خ ۱۲۶).
حاکمیت قانون، اعمال قوانین الهی در همه عرصه ها و حوزه های اجتماعی و فردی است (نهج البلاغه، خ ۹۲)؛ زیرا در صورت حاکم بودن قانون، حقی ضایع نمی شود و هیچ احدی از چنگ قانون در امان نخواهد بود. حضرت علی (ع) بر این مسئله تأکید داشتند که حکومت او مبتنی بر قانون خدا است و به هیچ توصیه غیرقانونی عمل نخواهند کرد، هر چند برخی رنجیده شوند (محدثی، ۱۳۷۹، ۲۷۰).

حکمرانی خوب قانونگذاری را در انحصار مردم یا نمایندگان آنها می داند در حالیکه این نوع قانون در حکمرانی مبتنی بر دین اسلام مشروع نبوده و الزامی به اطاعت از آن نیست چرا که این پرسش اصلی مطرح است که حاضر به پذیرش قوانین تدوین شده از سوی دیگران نمی باشند لیکن این پرسش درباره قوانین الهی مطرح نیست؛ زیرا خداوند قوانین متناسب با سعادت انسان وضع کرده است (آرایی، ۱۳۹۶).

امام علی (ع) برای اثربخشی حکمرانی اسلامی به مالک اشر تأکید می کند از مالیات برای آباد سازی شهرها استفاده کند (نهج البلاغه، ص ۱۸)؛ و از تمامی منابع استفاده بهینه نموده و از اسراف و زیاده روی پرهیز نماید (نهج البلاغه، ۲۰). آن حضرت می فرمودند: به کارکنان خود برسیدگی کنید چرا که ضمن اصلاح خود، از تجاوز به بیت المال خودداری می کنند و پیشاپیش حجت را بر آنها تمام کرده ای (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

امام علی (ع) در دوران حکومت خویش و در دوران برکناری از قدرت در زمان خلفای سه گانه، هرگز دست به خشونت نزد و همواره می کوشید که اختلافات را از طریق گفتگو و روش های مسالمت آمیز حل کند. آن حضرت، هنگامی که از یاران خود شنید که به مردم شام (معاویه)، دشنام می دهند که چرا راه مکر و خیانت را در پیش گرفته اند، به آنها فرمود: «من دوست ندارم که شما ناسزاگو باشید... به جای ناسزاگویی و فحاشی بگویید: خداوندا، خون ما و خون آنان را حفظ کن، میان ما و آنان را اصلاح کن، آنان را از گمراهی و ضلالت برهان تا کسی که حق را نشناخته، بشناسد و آن کس که به ظلم و تجاوز پناه برده و آلوده شده است، بازگردد».

۲. شاخص‌های حکمرانی اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

حکمرانی اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، شیوه اداره و سرپرستی و اعمال ولایت الهی توسط دولت اسلامی است که در آن ابعاد روابط بین حکومت و مردم، تعامل اجزای تشکیل دهنده حکومت و رابطه آن با سایر حکومت‌ها، در اهداف و سیاست‌ها، قوانین، اجرا و نظارت و ارزیابی بر اساس مبانی، اصول و روش‌های اسلامی تنظیم می‌گردد (رضایی و دیگران، ۱۳۹۰).

در اصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران در نظام حکمرانی مبتنی بر مردم‌سالاری دینی در چارچوب مؤلفه‌های نظامات و نهادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی تبیین شده که به دنیال رشد فضایل اخلاقی و ایمان و تقوی، استفاده درست از مطبوعات و رسانه‌های همگانی، مبارزه با فساد و انحراف، افزایش آگاهی‌های عمومی، تعلیم و تربیت رایگان و تسهیل آموزش عالی، تقویت روح تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌ها، طرد استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، محو استبداد و انحصارطلبی، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف، رفع تبعیض و ایجاد امکانات عادلانه، ایجاد نظام اداری صحیح و ضرور، حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، ایجاد اقتصاد صحیح و عادلانه اسلامی، تساوی همگان در برابر قانون و ایجاد نظام قضایی عادلانه، رفع فقر و محرومیت، تأمین خودکفایی، توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی، تنظیم سیاست خارجی مبتنی بر معیارهای اسلامی و حمایت از مستضعفان جهان می‌باشد.

۲،۱. پاسخگویی و حق انتخاب و اظهارنظر برای مردم

از آنجا که نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مردم‌سالاری دینی است، پاسخگویی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ پاسخگویی در برابر خداوند مبتنی بر وجه اسلامیت (اصول ۴ و ۵۶) و پاسخگویی در برابر مردم مبتنی بر وجه جمهوریت (اصل ۶).

در قانون اساسی نیز در اصول متعددی بر ضرورت پاسخگویی مقامات رسمی از جمله؛ مقام رهبری، رئیس‌جمهور، شورای نگهبان، مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه تأکید شده است.

مقام رهبری: براساس اصل ۱۱۱ قانون اساسی دارای نوعی پاسخگویی در مقابل مجلس خبرگان است.

□ فصلنامه علمی پژوهش های انقلاب اسلامی، س ۱۰، تابستان ۱۴۰۰، ش ۳۷

رئیس‌جمهور: پاسخگویی در برابر مردم، پاسخگویی در برابر رهبری، پاسخگویی در برابر مجلس شورای اسلامی را برعهده دارد (اصول ۸۹ و ۱۲۲).

قوه مقننه: پاسخگویی در برابر شهروندان و مجلس شورای اسلامی (اصل ۹۰ قانون اساسی). همچنین در اصول ۷۶ (حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور)، ۸۸ (حق سوال از رئیس‌جمهور)، ۸۹ (حق استیضاح وزرا) و ۹۰ (رسیدگی به شکایات از طرز کار مجلس، قوه مجریه و قضائیه) بر شفافیت در امور وظایفی مجلس شورای اسلامی تأکید شده است.

قوه مجریه: پاسخگویی در برابر مجلس شورای اسلامی برای اجرای قانون، پاسخگویی به تحقیق و تفحص، پاسخگویی تذکرات، سوال و استیضاح نمایندگان (اصل ۸۹ قانون اساسی)، پاسخگویی اجرای دقیق قانون بودجه (از طریق دیوان محاسبات)، پاسخگویی شکایات مردمی از طرز عمل قوه مجریه (اصل ۹۰ قانون اساسی)، پاسخگویی در برابر قوه قضائیه، احقاق حقوق شهروندان (از طریق دیوان عدالت اداری و دادگاه‌های عمومی)، پاسخگویی برای حسن جریان امور و اجرای دقیق قوانین (از طریق سازمان بازرسی کل کشور)، بررسی دارایی رئیس‌جمهور، وزیران و معاونین رئیس‌جمهور توسط رئیس قوه قضائیه که برخلاف حق افزایش نیافته باشد. قوه قضائیه: پاسخگویی در برابر قوه مقننه بابت اجرا یا عدم اجرای قوانین و شکایات مردمی از طرز کار قوه قضائیه (اصل ۹۰ قانون اساسی)، پاسخگویی در برابر مقام رهبری، پاسخگویی در برابر رئیس‌جمهور.

۲.۲. حاکمیت قانون

شاخصه حاکمیت قانون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل مشاهده می‌باشد. در بند ۶ اصل ۳ قانون اساسی، بر محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی تصریح شده و وظایف و اختیارات مقامات کشوری از مقام رهبری تا کارگزاران نیز در اصول ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۷۱، ۷۲، ۷۶، ۸۴، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۱۱۰ الی ۱۱۳، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۵۶، ۱۶۴، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۳ و ۱۷۸ ذکر شده است. همچنین در اصول ۸۴، ۸۸، ۸۹، بند ۱۰ اصل ۱۱۰، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۷، ۱۶۴ و ۱۷۱ بر مسئولیت‌پذیری قانونی تصریح شده است.

۲,۳. کیفیت قوانین و مقررات

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح شده است که کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین شریعت باشد (اصل ۴) و نهاد قانون‌گذار نمی‌تواند قوانینی مغایر اصول و احکام مذهب رسمی کشور وضع نماید (اصل ۷۲). بنابراین، قانون‌گذاری باید بر اساس موازین اسلامی صورت گیرد. مجلس شورای اسلامی که وفق اصل ۷۱ قانون اساسی، صلاحیت آن برای قانون‌گذاری عام می‌باشد، نمی‌تواند قوانین مغایر با اصول قانون اساسی وضع نماید و هیچ یک از نهادهای قانون‌گذار و تصمیم‌گیرنده نیز مجاز نیستند که مصوبه‌ای مغایر با قانون اساسی وضع کنند. برای نیل به این مقصود لازم است که مرجعی صلاحیت‌دار به نام شورای نگهبان (اصول ۹۳ تا ۹۶)، مصوبات را پیش از لازم‌الاجرا شدن از حیث عدم مغایرت با قانون اساسی و شرع بررسی کند و اگر آن را مغایر ببیند، بی اعتبار اعلام کند.

وجود سازوکار صریح قانونگذاری مجلس شورای اسلامی و علنی بودن مذاکرات و مصوبات آن که در اصل ۶۹ به صورت لزوم علنی بودن و پخش آن از طریق رسانه‌ها که بر اساس آن تمام افراد ملت می‌توانند در جریان مستقیم روند قوانین قرار گیرند.

۲,۴. کارایی و اثربخشی

در قانون اساسی اصل اول بر مشارکت مردم در تصویب این قانون با اکثریت بالا اشاره دارد. اصل ۶ و ۵۹ (مشارکت از راه انتخابات) اداره کشور را بر اتکای آرای عمومی دانسته که از راه انتخابات و همه‌پرسی تحقق می‌یابد دانسته است. اصل ۸ (مشارکت از طریق نظارت همگانی) با مطرح کردن دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر همگانی و متقابل مردم و دولت آن را به عنوان یک وظیفه دانسته است. اصل ۲۶ و ۶۴ بر مشارکت همه مردم و اقلیت‌ها و احزاب و داشتن نماینده برای اقلیت‌ها تأکید کرده است.

اصول ۷ و ۱۰۰ (مشارکت در تشکیل شوراهای و عضویت در آنها) این قانون بر جنبه شورایی بودن اداره امور کشور در گستره‌های مختلف آن و اصول ۴۴ و ۵۹ بر مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اقتصادی و نیز مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی از طریق همه‌پرسی تأکید دارد. همچنین حق شهروندی، حق تکرر آرا، آزادی بیان هم در اصول مختلف مورد توجه قرار گرفته‌اند.

همچنین به عدالت محوری و برابری از جمله در بند ۱۲ اصل ۳ (ایجاد اقتصاد عادلانه بر مبنای ضوابط اسلامی)، ۲۹ (تأمین اجتماعی)، ۲۸ (حق کار)، بندهای ۲ و ۴ اصل ۴۳ (سیاستگذاری اشتغال)، ۴۵ (انفال و ثروت های عمومی)، ۴۸ (توزیع عادلانه منابع طبیعی کشور)، ۴۹ (استرداد ثروت های نامشروع) اشاره شده است.

۲،۵. مبارزه با فساد

در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به بحث پیشگیری از فساد مالی و اداری اشاره شده است. از جمله: در اصل ۴ قانون اساسی مقرر شد تمام قوانین و مقررات اعم از مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی و... باید بر اساس موازین اسلامی باشد. بدیهی است در دین اسلام هیچ گونه جایگاهی برای امور مفسده دار و نامشروع شناخته نشده و همین امر باعث می شود قوانین منطبق با موازین مذکور، سلامت نظام اقتصادی، مالی و اداری جامعه را تنظیم و از بروز فساد جلوگیری نماید. در اصل ۴۴ قانون اساسی مقرر شد مالکیت در سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی به شرطی معتبر و مورد حمایت است که از محدوده قوانین اسلام تجاوز نکرده باشد. در اصل ۱۵۶ الی ۱۷۴ قانون اساسی بر وظایف قوه قضاییه و سازمان های زیرمجموعه آن اشاره شده است. در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی نیز پیشگیری از وقوع جرم را بعنوان یکی از وظایف آن قوه ذکر نموده است. اصل ۱۷۴ قانون اساسی که وظیفه نظارت بر حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین را بر عهده سازمان بازرسی کل کشور گذاشته است. بنابراین، قوه قضاییه مکلف است در مواردی که تشخیص دهد امکان وقوع جرایم و مفسدتی در آینده می رود باید از طریق راه های قانونی از وقوع آن جلوگیری نماید.

همچنین بر نظارت و کنترل پذیری در اصول ۵۲، ۵۴، ۵۵، ۵۷، ۷۶، ۸۸، ۸۹، ۹۰، بندهای ۱، ۷ و ۱۰ اصل ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۷۰ و ۱۷۳ تصریح شده است.

۲،۶. ثبات سیاسی و فقدان خشونت

مطابق با اصل ۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آزادی، استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیر می باشند و هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران خدشه ای

وارد نمکاید و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، آزادی‌های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند.

همچنین بر کرامت انسانی در اصول ۱۹ (برابری حقوق تمام مردم ایران) و ۲۰ (برابری زن و مرد در کلیه حقوق)، ۲۲ الی ۲۴ (مصونیت حیثیت و جان و مال و حقوق، و مسکن و شغل مردم از تعرض، ممنوعیت تفتیش عقاید و مواخذه، آزادی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب)، ۲۶ (آزادی احزاب و اقلیت‌های شناخته شده) و ۳۵ الی ۳۸ (حق انتخاب وکیل برای طرفین دعوا در دادگاه، حکم به مجازات از طریق دادگاه صالح، اصل برائت، ممنوعیت هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع) تأکید شده است.

نتیجه‌گیری

حکمرانی خوب تأکید می‌کند که نهادها باید دارای چه ویژگی‌هایی باشند که جامعه‌ای دموکراتیک و مبتنی بر سیستم حکمرانی پاسخگو و فعال را فراهم نمایند. حکمرانی خوب یعنی نگهداشتن دولت‌ها در بهترین موقعیتی که می‌تواند جامعه‌ای اخلاقی در سطح محلی و جهانی ایجاد نماید چرا که دولت‌ها و یا نهادهای بین‌المللی نباید چارچوب سیاسی یا تصمیمی مستقل از منافع اجتماعی داشته باشند. الگوی حکمرانی خوب، نتایج سیاسی را تابعی از وابستگی متقابل سه بازیگر دولت، جامعه و بازار می‌نگرد. اگر ادعا می‌شود که حکمرانی خوب یک نظریه اصولی هست، پس باید حداقل در دو زمینه به ما کمک نماید: الف) حوزه گسترده‌تری از واقعیت را بسیار فراتر از یک منظر تشریح، تلفیق و تفسیر نماید. ب) اصولی بوده و برای حل برخی از معماهای اخلاقی سیاستگذاری یاری رساند. حکمرانی خوب نباید بعنوان یک نظریه اخلاقی در نظر گرفته شود، بدین دلیل که نمی‌تواند تمامی معیارها را علیرغم تعدد اصول و ارزشهایش برآورده کند. از اینرو، این نظریه نوظهور، دارای ویژگی‌های کاربردی و هنجاری می‌باشد که هنوز تکامل نیافته است و مورد تردید، ابهام و انتقاد است. مسئله‌ای که در اصول حکمرانی خوب فراموش شده است، تأکید بر تنوع و کثرت‌گرایی هست. ارزش‌ها و اصول حکمرانی باید بتواند در نظام‌های ارزشی گوناگون به صورتی به اجرا در آید که دموکراسی را تسهیل نماید؛ وگرنه ارزش‌های به اصطلاح جهانی که در اصل غربی هستند، به دیگران تحمیل می‌گردد در حالیکه تلاش و اصرار بر ایجاد و

استقرار حکمرانی خوب به شکل برونزا و بدون الگوی بومی برای اجرا و تحقق آنها مسئله ساز می گردد و نتایج مطلوبی در پی نخواهد داشت. سرشت حکمرانی خوب و اصول مندرج در آن در جوامع اسلامی نسبت به جوامع غربی متفاوت است لیکن با توجه به هنجاری بودن این آموزه می توان اصول آن را با مبانی فلسفی و ارزشی و ساختار سیاسی و فرهنگی جوامع گوناگون مطابقت دارد. حکمرانی اسلامی شیوه اجرایی حکومت اسلامی را در یک جامعه تشکیل می دهد و به سازوکارها و روابطی که منجر به اعمال حکومت اسلامی است، می پردازد. هدف حکمرانی اسلامی، افزایش کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر آموزه های اسلامی برای اداره جامعه دینی است که متضمن سعادت دنیا و عقبای امت اسلامی و تضمین کننده پیشرفت همه جانبه آنها می باشد. از این رو در جمهوری اسلامی ایران که بر مشروعیت الهی حکومت تأکید شده، پذیرش اصول حکمرانی خوب با رعایت ضوابط و قواعد اساسی مانند حاکمیت قوانین الهی و ضرورت رهبری اسلامی و متناسب با شرایط فرهنگی و اعتقادی در نظام اسلامی همان گونه در قانون اساسی بویژه در شاخص های پاسخگویی و حق انتخاب و اظهار نظر برای مردم، حاکمیت قانون، کیفیت قوانین و مقررات، کارایی و اثربخشی، مبارزه با فساد و ثبات سیاسی و فقدان خشونت بدان اشاره شده است، با محذوریتی مواجه نمی باشد.

منابع

۱. ابراهیم پور، حمید (۱۳۹۰). «از حکمرانی خوب تا حکمرانی پایدار»، **هشتمین کنفرانس بین المللی مدیریت**، تهران، گروه پژوهشی آریانا، ۲۷ و ۲۸ آذر.
۲. ابطحی، مصطفی، حسن آرایش (۱۳۹۷). «بررسی و تبیین حکمرانی شایسته در رویکرد حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه راهبرد سیاسی**، شماره ۵.
۳. آرایبی، وحید (۱۳۹۸). **حکمرانی خوب**، تهران: انتشارات فرهیختگان دانشگاه.
۴. آمارتیا سن (۱۳۸۱) **توسعه به مثابه آزادی**، ترجمه حسین راغفر، تهران: انتشارات کویر.
۵. حسینی، سیدعلی و قادرعلی واثق (۱۳۹۳). «حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیرالمؤمنین علی(ع)»، **فصلنامه اسلام و پژوهش‌های مدیریتی**، شماره ۲.
۶. دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، **مجموعه مقالات سومین همایش ملی چشم انداز حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴**، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری.
۷. رضایی، حسن و دیگران (۱۳۹۰). **از حکمرانی اسلامی تا دولت معیار**، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
۸. رهنورد، فرج‌الله (۱۳۸۸). **مؤلفه‌ها و ابعاد مدیریت دولتی مطلوب برای تحقق چشم انداز ۱۴۰۴**، گزارش پژوهشی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت، کمیته نظام اداری و مدیریت.
۹. فون‌هایک، فریدریش (۱۳۸۰). **قانون، قانونگذاری و آزادی**، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی نژاد. تهران: طرح نو.
۱۰. کایر، آنه مته (۱۳۸۶). **حاکمیت (مفاهیم کلیدی)**، ترجمه ابراهیم گلشن و علی آدوسی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
۱۱. گزارش بانک جهانی (۲۰۰۳). **توسعه پایدار در جهان در حال تحول**، ترجمه علی حبیبی، غلامرضا گرابی نژاد و نسرین قبادی. تهران: انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
۱۲. **مجله اندیشه اقتصاد** (۱۳۹۶). «مکتب شناسی حکمرانی خوب»، شماره ۲۳۴.

□ فصلنامه علمی پژوهش های انقلاب اسلامی، س ۱۰، تابستان ۱۴۰۰، ش ۳۷

۱۳. محمدی اشتهاوردی، محمد (۱۳۷۶). **حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت**، قم: انتشارات مسجد مقدس جمکران.

۱۴. **مفاتیح الجنان**، شیخ عباس قمی.

۱۵. میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳). **حکمرانی خوب؛ بنیان توسعه**، تهران: انتشارات مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.

۱۶. نادری، محمد مهدی، (۱۳۹۰). «حکمرانی خوب، معرفی و نقدی اجمالی»، **فصلنامه اسلام و پژوهش های مدیریتی**، شماره اول.

۱۷. وفاجو، فریبرز، مقصود رنجبر (۱۳۹۷). «ارزیابی شاخص های حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، سال یازدهم، شماره ۴۲.

18. Bevir, Mark (2006). 'Democratic Governance: Systems and Radical Perspectives', *Public Administration Review*, Vol. 66, No. 3.
19. Brinkerhoff, Derick W. and Jennifer M. Brinkerhoff (2002). 'Governance Reforms and Failed States: Challenges and Implications', *International Review of Administrative Sciences*, Vol. 68, No. 4.
20. Harlow, Carol (2006). 'Global Administrative Law: The Quest for Principles and Values', *The European Journal of International Law*, Vol. 17, No. 1.
21. Hoogh, Liesbeth and Gary Marks (2003). 'Unraveling the Central State, But How? Types of Multi-Level Governance', *American Political Science Review*, Vol. 97, No. 2.
22. IMF, Good Governance: The IMF's Role, August 1997, (available at www.imf.org/external/pubs/ft/exrp/govern/govern.pdf).
23. Keohane, Robert O (2001). 'Governance in a Partially Globalized World', *American Political Science Review*, Vol. 95, No. 1.
24. Kobler, Beate & Eising, Rainer (1999). *the transfer mation of Governance in the European union*, London, Rout ledge.
25. Krasner, Stephen D (1991). 'Global Communications and National Power: Life on the Pareto Frontier', *World Politics*, Vol. 43, No. 3.
26. Schmitter, Philippe C (1996). 'Examining the Present Euro-Polity with the Help of Past Theories', Gary Marks, Fritz Scharpf, Philippe Schmitter, and Wolfgang Streeck (Eds), *Governance in the European Union* (London Thousand Oaks, CA: Sage).
27. UNDP (1997). *Governance for sustainable development*, Newyork
28. UN-HABITAT, (2006) *Global campaign on urban Governance: concept paper*,

2nd Edition, Nairobi.

29. World Bank (2000). Attacking poverty, world development report, Washington DC.
30. World Bank (1989). sub- Saharan Africa: from crisis to sustainable growth, Washington DC.
31. Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart & Lob, Pablo (2002). Governance Matters II: Updated Indicators for 2000-01. World Bank Policy Research Working Paper (2772)